**5شنبه 13/10/1403-اول رجب 1446-2ژانویه 2025- درس 17 تفسیر ترتیبی مدیریتی قران کریم -** فرصت جبران مافات برای کارکنان سازمان بر اساس اصل رحمت و لزوم تبیین تفصیلی این اصل

[سوره الأنعام (6): آيات 54 تا 55]

وَ إِذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلى‏ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (54) وَ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ وَ لِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (55)

هر گاه مردمى كه به آيات ما ايمان دارند، پيش تو آيند، به آنها بگو: سلام بر شما. پروردگار شما بر خويشتن رحمت واجب كرده است كه هر كس از شما كار زشتى از روى نادانى كند، سپس بعد از آن توبه كند و بصلاح گرايد، او آمرزگار و رحيم است و همچنين آيات خود را تفصيل مى‏دهيم، تا شما بفهميد و راه مجرمين آشكار شود.

قرائت‏

انه ... فانه: اهل مدينه اولى را بفتح همزه و دومى را بكسر خوانده‏اند.

عاصم و ابن عام و يعقوب، هر دو را بفتح همزه و ديگران هر دو را بكسر خوانده‏اند.

كسره اوّلى بمناسبت اين است كه تفسير «الرحمه» باشد و كسره دومى بخاطر اين است كه بعد از فاء قرار گرفته و حكم ابتداى جمله را دارد.

فتحه اولى بمناسبت اين است كه بدل از «الرحمه» است و فتحه دوم بمناسبت اين است كه مبتدا براى خبر محذوف باشد.

لغت‏

سلام: اين كلمه را در لغت چهار معنى است: 1- مصدر 2- جمع سلامت 3- اسمى از اسماء خدا 4- درختى است. هر گاه اين كلمه به معناى مصدرى بكار رود، دعايى است براى انسان كه از آفات، سالم بماند. هر گاه نام خدا باشد، معناى آن مالك سلامت و خلاصى از مكروه است. درختى كه نامش «سلام» است، درختى قوى است. اين درخت، بر اثر قدرت و نيروى خود از آفتها سالم است. صلح را هم «سلام» و «سلم» مى‏نامند. زيرا معناى آن سلامت از شر است. «سلم» به معناى دلوى است كه داراى يك دسته است و از دلوهاى ديگر، سالمتر است.

شان نزول‏

در باره اينكه آيه در باره كى نازل شده، اختلاف است. اكرمه گويد: در باره همانها كه خداوند پيامبر را از طرد آنها نهى كرده بود، نازل شده است. به همين جهت، هر گاه پيامبر به آنها بر ميخورد، بر آنها سلام ميكرد ولى گفت: ستايش خدا را كه در امت من افرادى قرار داده كه مرا امر كرده است بر آنها ابتدا به سلام كنم. عطا گويد:در باره جماعتى از صحابه، مثل: حمزه، جعفر، مصعب بن عمير و عمار و ... نازل شده است انس بن مالك گويد: جماعتى نزد پيامبر گرامى شرفياب شده، گفتند: ما گرفتار گناهان بسيارى شده‏ايم. پيامبر در جواب آنها سكوت كرد و اين آيه نازل شد. برخى گفته‏اند:

در باره توبه كاران نازل شده است. در روايتى از امام صادق عليه السلام همين قول تاييد شده است.

مقصود

اكنون خداوند متعال پيامبر خود را امر مى‏كند كه در برابر مؤمنين تعظيم كند.

مى‏فرمايد:

وَ إِذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ‏. هر گاه مردمى كه به آيات ما ايمان دارند، نزد تو بيايند، بگو: سلام بر شما. درباره اين آيه چند وجه گفته‏اند:

1- دستور مى‏دهد كه پيامبر بر آنها سلام كند. بنا بر اين منظور تحيت آنهاست از جانب خداوند بر زبان پيامبر.

2- دستور مى‏دهد كه پيامبر بر آنها سلام كند و بدينوسيله آنها را گرامى بدارد.

3- دستور مى‏دهد كه عذر آنها را بپذيرد و آنها را به سلامت از آنچه عذر آن را خواسته‏اند، بشارت دهد. وجه اول از حسن، وجه دوم از جبايى و وجه سوم از ابن عباس است.

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلى‏ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ: خداوند با تاكيد هر چه بيشتر بر خود واجب كرده است، رحمت را. بديهى است كه خداوند چيزى نمى‏نويسد. تعبير نوشتن براى اين است كه مردم مى‏بينند چيزى كه بايد براى بعد نگهدارى شود، نوشته ميشود.

خداوند هم كه رحمت خود را براى نيكان ذخيره كرده، مى‏گويد: پروردگار شما بر خويشتن نوشته است كه رحمت خود را شامل حال شما كند. برخى گويند: منظور اين است كه در لوح محفوظ نوشته است در اينباره در اول سوره گفتگو كرده‏ايم.

أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ‏:

در اينجا وعده مى‏دهد كه رحمت خدا شامل حال آنان ميشود كه از روى جهالت،مرتكب كار زشتى شوند و سپس توبه و نيكى كنند. خداوند نسبت به آنها آمرزگار و رحيم است.

زجاج مى‏گويد: در باره معناى جهالت دو وجه است 1- مقصود اينست كه كار زشت را با جهل به اينكه زشت و ناپسند است، انجام داده است.

2- كسى كه كار زشت انجام مى‏دهد، توجه بزشتى و ناپسندى آن كار دارد و ميداند كه سرانجام آن زيانبخش است. لكن نفع و فايده آنى و دنيوى را از روى جهالت بر نفع و راحت فراوان و عافيت هميشگى مقدم ميدارد.

بيان آيه 55

قرائت‏

لتستبين: اهل مدينه فعل را بتاء و «سبيل» را به نصب خوانده‏اند. كوفيان بجز حفص، اين كلمه را به ياء و «سبيل» را برفع خوانده‏اند. زيد بنقل از يعقوب فعل را به ياء «سبيل» را به نصب خوانده است. ديگران فعل را بتاء و «سبيل» را برفع خوانده‏اند.

وجه قرائت اخير اين است كه «سبيل» فاعل فعل باشد. كلمه «سبيل» مؤنث است. مثل‏ «هذِهِ سَبِيلِي» (يوسف 108) وجه قرائت اول اين است كه فعل مخاطب و «سبيل» مفعول آن باشد. وجه قرائت كوفيان اين است كه «سبيل» فاعل باشد، جز اينكه «سبيل» را مذكر قرار داده‏اند. مثل: «يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا» (اعراف 146) وجه قرائت زيد اين است كه «سبيل» مفعول و فاعل فعل محذوف باشد.

اعراب‏

كذلك. كاف اسم و مضاف و مفعول «نفصل»، اما مشبّه و مشبّه به چيست؟

1- تفصيل آيات را تشبيه كرده است به آنچه قبلا در صفت اهل هدايت و اهل ضلالت، به تفصيل ياد كرده است.

2- يعنى همانطورى كه آيات گذشته را براى شما تفصيل داده‏ايم، براى ديگران نيز تفصيل مى‏دهيم.

مقصود

اكنون در دنباله مطالبى كه در ردّ مشركين بيان داشت، مى‏فرمايد:

وَ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ‏: هم چنان كه سابقاً دلايلى بر توحيد و نبوت و .....آورديم، اكنون نيز دلايل خود را براى اثبات گفتار شما و ردّ گفتار مشركين، با شرح و تفصيل بيان مى‏كنيم.

وَ لِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ‏: تا راه آنها كه بعد از روشن شدن حقيقت، عناد پيشه مى‏كنند، براى آنها كه اهل ايمان و طالب فهم هستند، شناخته شود و بتوانند از آن اجتناب و راه ديگرى براى خود انتخاب كنند.[[1]](#footnote-1) [[2]](#footnote-2)

تفسیر مدیریتی

فرصت جبران مافات برای کارکنان سازمان بر اساس اصل رحمت و لزوم تبیین تفصیلی این اصل

اصل رحمت که ثبت شده بر نفس ربوبی یعنی اصل بی تغییر و تبدیل است که نشان میدهد این مدیریت رحمانی همان مدیریت ربوبی است رحمت بر غضب سبقت دارد همه امور واجب است با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز میشود که رحمت رحمانیه عام و رحمت رحیمیه خاص را آغاز هر تدبیری و اقدامی قرار میدهد و الا آن تدبیر و اقدام ابتر و غیر اثر بخش خواهد بود و دنیا و آخرت را با هم تامین نمیکند . وَ إِذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآياتِنا خداوند به رسولش ماموریتی میدهد که هر کس نزد تو آمد بویژه نیروهای مومن و جهادی که قرار شد هر گز منزوی وطرد نشوند طبق آیات قبل فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ باید به آنها سلام کنی یعنی سلامت آنها را در همه ابعاد تامین کنی كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلى‏ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ و بگویی که رحمت خدا چنین اقتضا کرده است که در سلام بر شما مقدم شوم و بدانید که اسلام دین سلام و سلامتی است أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ لذا هر کس هر عملکرد توام با نادانی داشته است براساس اصل رحمت اگر بازگردد و جبران کند اصلاح مافات نماید فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (54) هم بدیهایش پوشیده وبخشیده میشود و هم در خصوص آینده میتواند عملکرد بهتری داشته باشد . البته نیروهای مومن جهادی مورد رحمت رحیمیه قرار میگیرند و کارکنان عادی مورد رحمت رحمانیه هستند . وَ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ) برنامه رحمانی روشن و فصول و اصول آن مشخص است وَ لِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (55)و بر همین اساس مجرمین و کسانیکه هماره با اصلح برخورد ناشایست دارند نیز راهشان روشن میشود وقتی خوب برنامه رحمانی و چشم انداز آن را توضیح دادیم خود به خود راه از چاه مستبین میشود وبینونت بین آندو آشکار و واضح میگردد.

خلاصه در مدیریت رحمانی در مدیریت رفتار سازمانی در انجام وظیفه رهبری سازمانی همه باید زیر چتر رحمت عام و خاص قرار گیرند و از فضای سالم برای رقابت و خدمت برخوردارد شوند سازمان رحمانی دار السلام است دار سلامت است همه به هم سلام میکنند و رهبر سازمان پیش و بیش ازهمه سلام میکند یعنی هیچ کس در گزند و کمند نیست و هر کس هم خطا کند روی جهل نه غرض، فرصت جبران دارد کارنامه اش سفید میشود خطاهایش پاک میشود و نادیده گرفته میشود زیرا مدیران راهور سازمان رحیم هستند به مومنین بالمومنین رئوف رحیم راه وبیراهه هم کاملا از هم جداست راه مجرمین از مومنین جداست و شفاف است نیروهای جهادی از عادی ممتاز هستند و از رحمت رحیمیه برخوردارند چنین فرهنگ و رفتار سازمانی در رهبران و پیروان، مجرمین را خنثی و رسوا میکند باید کار مثبت کرد تا راه منفی مشخص و ممتاز شود (والله العالم)

برای مطالعه

[سوره الأنعام (6): آيات 56 تا 58]

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لا أَتَّبِعُ أَهْواءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (56) قُلْ إِنِّي عَلى‏ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ ما عِنْدِي ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفاصِلِينَ (57) قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (58)

بگو: من نهى شده‏ام كه خدايان شما را پرستش كنم. بگو: من از هواهاى نفسانى شما پيروى نميكنم. در اينصورت گمراه ميشوم و از هدايت يافتگان نيستم.

بگو: من از جانب پروردگارم دليل روشنى دارم كه شما آن را تكذيب كرده‏ايد.

چيزى كه براى فرا رسيدن آن عجله داريد، پيش من نيست. حكم بدست خداست كه حق مى‏گويد و او بهترين فيصله دهندگان است.

بگو: اگر چيزى كه براى آن عجله داريد، پيش من بود، كارى كه ميان من و شماست، خاتمه يافته بود و خداوند بحال ستمكاران داناتر است.

1. ( 1)- همانطورى كه در بحث قرائت ذكر كرديم، آيه وجوه ديگرى هم دارد كه ما قرائت مشهور را انتخاب و ترجمه كرديم. هر گاه فعل بصورت مخاطب خوانده شود، معناى آن اين است:

   تا تو اى شنونده يا تو اى محمد، راه مجرمين را بشناسى و كفر و عناد و تبهكارى آنها را كه سبب كيفر و عذاب ميشوند، دريابى. برخى گفته‏اند: منظور از راه مجرمين، همان است كه خداوند در اين جهان آنها را خوار و ملعون شمرده و امر به قتل و اسيرى و ... درباره آنها داده است. و او در جمله مورد بحث، عطف است بر فعل مقدر. يعنى:« لتفهموا و لتستبين ...» [↑](#footnote-ref-1)
2. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-2)